

جایگاه و نقش عوامل ادبی و رسانه ای تاثیرگذار بر رمان نوجوانی در
بررسی "نجوا" اثر ایزابل عابدی

الهام السادات مقدس^۱

لیلی مسگرزاده اقدم^۲

چکیده

ژانر ادبی نسبتاً جدید "رمان نوجوانی" به مشکلات نوجوانان در سنین حساس و سرنوشت‌ساز نوجوانی می‌پردازد. این کار از دو بخش نظری و عملی تشکیل شده است. بخش نظری دربردارنده‌ی اطلاعاتی درباره‌ی مفهوم "رمان نوجوانی"، تاریخچه، مشخصات و طبقه‌بندی آن است. در بخش عملی کنش‌های ادبی و رسانه‌ای تاثیرگذار بر رمان نوجوانی معرفی شده و با ذکر شاهد مثال از رمان "نجوا" عملکرد بینامتنی و بینا رسانه‌ای به طور ملموس بیان شده است. هدف از این پژوهش بررسی جایگاه "رمان نوجوانی" در ادبیات آلمانی و نقش موثر کنش‌های ادبی (بینامتنی) و رسانه‌ای (بینا رسانه‌ای) بر این ژانر ادبیات نوجوان می‌باشد. این کنش‌ها تصویری باورپذیر از زندگی قهرمان داستان ارائه می‌دهد و سبب هم‌ذات‌پنداری خواننده‌ی نوجوان می‌شود و مشاهده‌ی شباهت‌هایی که در زندگی روزمره او و قهرمان داستان وجود دارد با تاثیر غیر مستقیم سبب رشد فکری‌اش می‌شود.

واژگان کلیدی: رمان نوجوانی، عصر رسانه‌ها، بینامتنی، بینا رسانه‌ای

دوره چهاردهم شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان و ادبیات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
emoghaddas@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده زبان و ادبیات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
leilimesgarzadeh@yahoo.com

مقدمه

از آنجا که ادبیات همواره بازتاب وضعیت و حال و هوای اجتماعی و سیاسی جامعه بوده و هست، بررسی ادبیات کودک و نوجوان هر کشوری می‌تواند راهگشای وضعیت کودکان و نوجوانان آن جامعه، نیازها و مشکلاتشان باشد. با نگاهی اجمالی به تاریخچه‌ی ادبیات کودک و نوجوان آلمانی پی می‌بریم که چگونه ادبیات که طی قرون وسطی و دوران رنسانس در خدمت مذهب، اخلاق و آداب معاشرت بوده است، در دوران روشنگری اندک اندک نقش موثری در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به عهده می‌گیرد. سپس دنیای افسانه‌گون و خیال‌پردازانه‌ی بی‌دغدغه‌ای که دوران رمانتیک به کودکان عرضه می‌کرد، جای خود را کم کم به واقع‌گرائی می‌دهد و می‌کوشد تا چهره واقع‌گرایانه‌ای از زندگی کودکان و نوجوانان به تصویر بکشد. ادبیات کودک و نوجوان آلمانی قرن بیستم متأثر از دو جنگ جهانی، یک انقلاب کارگری و تحولات بی‌شمار سیاسی اجتماعی و اقتصادی است و نتیجه‌ی این تأثیرات را می‌توان به‌خوبی در آثار ادبی ضد جنگ، برابری طلبانه و خیال‌پردازانه‌ی این سال‌ها دید. اما آنچه در سال‌های اخیر پس از سقوط دیوار برلین و اتحاد مجدد دو آلمان ادبیات کودک و نوجوان مدرن آلمانی را به شدت تحت تأثیر قرار داده، هجوم رسانه‌های جدید چون تلویزیون، کامپیوتر و اینترنت است، که نه فقط در آلمان و کشورهای آلمانی زبان بلکه در کل جهان زندگی کودکان و نوجوانان را تسخیر کرده است. این تحولات، ادبیات کودک و نوجوان را مجدداً شکوفا ساخته و منجر به پدید آمدن ژانرهای ادبی تازه‌ای در این شاخه‌ی ادبیات شده است که در این بین می‌توان از "داستان‌های جنایی - پلیسی نوجوان"، "ادبیات واقع‌گرایانه‌ی مدرن نوجوان" و "رمان نوجوانی" نام برد.

در حقیقت پرسش اصلی این پژوهش دلایل پدید آمدن "رمان نوجوانی" و چگونگی تأثیر ادبیات و رسانه‌های مختلف در دوره‌ی مدرن و پسامدرن و عصر رسانه‌ها بر این ژانر نسبتاً جدید ادبیات نوجوان در کشورهای آلمانی زبان است. برای درک بیشتر این تأثیرات مثال‌هایی از رمان نوجوانی آلمانی زبان "نجوا" آورده می‌شود.

پیشینه‌ی پژوهش

با وجود آنکه ادبیات کودک و نوجوان آلمانی از جایگاه مستقلی برخوردار است، اما در کشورهای آلمانی زبان "ادبیات کودک و نوجوان" به مفهوم عام آن در نظر گرفته

می‌شود، بی آنکه ادبیات کودک را از ادبیات نوجوان متمایز کنند. اما این ژانر ادبی جدید یعنی "رمان نوجوانی" که به طور خاص مخاطب نوجوان را در نظر گرفته، موفق شده تا تلاطم‌ها، مشکلات و روند زندگی نوجوان را در این برهه‌ی حساس و سرنوشت‌ساز به خوبی تشریح کند. این ژانر تقریباً در دهه‌ی هفتاد میلادی پذیرفته شده، در دهه‌ی هشتاد میلادی در مطالعات ادبیات کودک و نوجوان جهان جایگاهی برای خود یافته و تازه در در دهه‌ی نود میلادی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با این وجود چنان‌که لانگه می‌گوید جای خالی این گونه‌ی ادبی همچنان در فرهنگنامه‌های ادبی چون "واژه‌نامه تخصصی ادبیات" (۲۰۰۱) و یا "راهنمای ژانرهای ادبی" (۲۰۰۹) دیده می‌شود (لانگه ۱۴۷، ۲۰۱۲). و این جای خالی در پژوهش‌های کشور ایران در این زمینه نیز وجود دارد.

"رمان نوجوانی"

همان‌گونه که در پیشینه‌ی پژوهش آمد "رمان نوجوانی" یک گونه ادبی نسبتاً جدید است که نام خود را از "adolescent novel" که در زبان انگلیسی آمریکایی رمان نوجوانی نامیده می‌شود، وام گرفته است. نوجوانی به فاصله‌ی زمانی از اواخر کودکی، سال‌های بلوغ تا سال‌های نخست جوانی اطلاق می‌شود. اما مفهوم نوجوانی تنها به این "فاصله‌ی زمانی" منحصر نمی‌شود. نوجوانی مرحله‌ی سخت و پیچیده‌ی انطباق و سازگاری نوجوان با دنیای بزرگسالان است. همان‌گونه که دکتر کورت ولبرینک^۱ این مرحله را توصیف می‌کند، نوجوانی "مرحله‌ای از زندگیست که فرد احساس نارضایتی و ناراحتی می‌کند؛ اغلب نمی‌داند به کجا تعلق دارد؛ دورانی که بسیاری از چیزها نخستین بار تجربه می‌شود؛ دورانی که در آن تجربه‌ها بسیار عمیقتر، دردناکتر و گاه سرخوشانه‌تر می‌شوند؛ دورانی که فرد خود را در برزخ مایوسانه‌ی دیگر کودک بودن و هنوز بالغ نبودن می‌یابد و بارها و بارها از نو و به شیوه‌ای دیگر می‌کوشد تا تعریفی از خود در عمق آشفستگی و سردرگمی به دست آورد؛ و در اصل نمی‌داند که حقیقتاً کیست" (ولبرینک ۱۹۸۸). بنابراین موضوع "رمان نوجوانی" مشکلات بالغ شدن است (لانگه ۱۴۷، ۲۰۱۲). در این‌گونه رمان‌ها قهرمان داستان در سنین میانی پیش از بلوغ

1. Sachwörterbuchs der Literatur von Wilpert

2. Handbuch der Literarischen Gattung von Lamping

3. Kurt Wollbrink

نوجوانان در شناخت خود، بحران هویت و ضربه‌های روحی آنان را دارد.

بررسی ردپای ادبی تاریخی "رمان نوجوانی" در کشورهای آلمانی زبان
وقتی گوته "رنج‌های ورتر جوان" (۱۷۷۴) و کارل فلیپ موریتز "آنتون رایزر" (۱۷۸۵) را می‌نگاشتند، کسی گمان نمی‌برد که این آثار روزی "رمان نوجوانی" قلمداد شود. این آثار اغلب به عنوان نخستین‌ها و فرم کلاسیک این ژانر قلمداد می‌شوند (لانگه ۱۴۷، ۲۰۱۲). "رنج‌های ورتر جوان" که در حال وهوای دوران "طوفان و طغیان" نوشته شده در قالب مجموعه‌ای از نامه‌ها به نقل داستان ورترمی پردازد که جوانی است آزاداندیش، یاغی و مغل آرمش زندگی زناشویی. در نظر معلمان ادبیات آن دوره این اثر نمونه‌ی تمام عیار داستان‌های مضر برای جوانان تشخیص داده شد، زیرا مضمون داستان با ارزش‌های اخلاقی و مذهبی خواننده‌ی طبقه‌ی متوسط اجتماع مغایرت داشت. علاوه بر این ممکن بود این اثر جوانان را به خودکشی و سوسه کند (اورن، ۲۰۱۵).

در آغاز قرن نوزدهم گوته در آلمان با نگارش "سال‌های کارآموزی ویلم مایستر" (۱۷۹۵) و دنباله‌ی آن "سال‌های سفر ویلم مایستر" ژانر ادبی جدیدی را پایه‌گذاری کرد به نام "رمان تربیتی" که نمونه‌ای برای تمام قرن نوزدهم شد. در حقیقت "رمان تربیتی" سنگ بنای نگارش "رمان نوجوانی" بوده است. قرن نوزدهم همچنین مجال برای "تحول خیال‌پردازانه" در ناول‌های رمانتیک بود و به نگارش "داستان‌های تخیلی" که نوعی افسانه به شمار می‌رفتند انجامید. عبور از مرحله‌ی نوجوانی در این قصه‌ها چنان نقش مهمی را ایفا می‌کرد، که این نوع افسانه‌ها را قصه‌های نوجوانی^۳ نامیدند. قهرمانان این داستان‌ها اغلب نوجوانانی بوده‌اند که گرچه آینده‌ای امیدوارکننده‌ی داشتند، اما از نظر ذهنی و روحی در معرض خطر بودند. در این زمینه

1. Die Leiden des Jungen Werther von Goethe

2. Anton Reiser von Karl Philipp Moritz

3. Wilhelm Meisters Lehrjahre

4. Wilhelm Meisters Wanderjahre

5. Bildungsroman

6. Kunsmärchen

7. Adoleszenzerzählung

می‌توان به دانشجوی جوان قهرمان داستان "دیگ طلایی" هوفمان اشاره کرد که با نفرینی اسیر دنیای جادو می‌شود (گانزل ۲۰۰۸، ۳۶۲).

با شروع قرن بیستم مشکلات دوران نوجوانی خود را در رمان‌های مدرسه‌ای نشان دادند. "زنگ ورزش" (۱۹۰۴) راینر ماریا ریلکه و "آشفته‌گی‌های تورلس جوان" (۱۹۰۶) رابرت موزیل از پیشگامان "رمان نوجوانی" کلاسیک بودند. اما آنچه در رشد و پیشرفت "رمان نوجوانی" در آلمان تأثیری عمیق به جای گذاشت، ترجمه‌ی آلمانی رمان "ناطور دشت" (آمریکا، ۱۹۵۱) جی. دی سلینجر بود که با ترجمه‌ی هاینریش بل (۱۹۵۴) بازار کتاب آلمان را تسخیر کرد. قهرمان این رمان هولدن کالفیلد، نوجوان سرسخت شانزده ساله‌ای است، که به دلیل نمره‌های بدش کمی پیش از کریسمس مدرسه‌ی شبانه‌روزی را ترک می‌کند و سه شبانه‌روز در شهر سرگردان است. رمان هم در آلمان غربی و هم در آلمان شرقی مورد استقبال فراوانی قرار گرفت، "زیرا زبان حال نسل جوانی بود که بیش از پیش در برابر نهادهای حاکم بر جامعه طغیان می‌کرد، خواستار نقشی فراگیر برای خود در جامعه و در جستجوی هویت خویش بود." (گانزل ۲۰۰۸، ۳۶۳).

در پی رشد و پیشرفت "رمان نوجوانی" رمان "موش و گربه" گونتر گراس (۱۹۶۱) و "وداع با والدین" پیتر وایس (۱۹۶۱) انتشار یافتند. در سال ۱۹۷۳، اولریش پلنتزدورف^{۱۰} در اثر خود رنج‌های ادگار ویبوآی هفده ساله را به تصویر کشید که همچون ورتر جوان گوته گرفتار رابطه‌ی احساسی نافرجام شده و با خواندن "رنج‌های ورتر جوان" با قهرمان داستان همذات پنداری می‌نمود. "رنج‌های تازه‌ی و. جوان"^{۱۱} گرچه در ابتدا ادبیات نوجوان بشمار نمی‌رفت، اما بزودی در میان نوجوان آلمان شرقی و آلمان غربی و همچنین در اتریش جایگاه ویژه‌ای یافت (اشتاین برگر ۲۰۱۵، ۱۴).

نوجوانان دهه‌ی هفتاد در آلمان به دنبال آثاری بودند که مسئله‌ی شناخت خود در کانون توجه‌شان باشد. به همین دلیل ناشران ادبیات نوجوان به صورت گسترده‌ای دست به انتشار آثار ترجمه شده‌ی "رمان نوجوانی" از زبان انگلیسی و کشور

1. Der goldene Topf von E. T. A. Hoffmann

2. Turnstunde von Reiner Maria Rilke

3. Verweigerung des Zöglings Törles

4. The Catcher in the Ray

5. Fänger Im Roggen

6. Katz und Maus

7. Günter Grass

8. Abschied von Eltern

9. Peter Weiss

10. Ulrich Plenzdorf

11. Die neue Leiden des jungen W.

ایالات متحده‌ی آمریکا زدند. "ماهی فایتر" اثر سوزان ای. همیلتون^۲ از این قبیل رمان‌هاست (گانزل ۲۰۰۸، ۳۶۲). طیف گسترده‌ی آثار ترجمه شده و نیز "رمان‌های نوجوانی" که نخست در رده ادبیات بزرگسال قرار گرفته بودند، سبب رشد و تکامل این ژانر به عنوان یک ژانر ادبی برای نوجوانان شد. رفته رفته مرزهای میان "رمان نوجوانی" که برای مخاطب بزرگسال نوشته شده باشد و "رمان نوجوانی" که مخاطب نوجوان داشته باشد مشخص و تبیین گشت. به این ترتیب خشونت و نامالایماتی که به وضوح به شرح پریشانی و تباهی قهرمان داستان می‌پرداخت نباید در "رمان نوجوانی" با مخاطب نوجوان نوشته می‌شد (لانگه ۲۰۱۲، ۱۵۶).

موفقیت "رنج‌های تازه‌ی و. جوان" پلنتزدورف سبب پذیرش "رمان نوجوانی" در کشورهای آلمانی زبان و الحاق این ژانر ادبی به ادبیات نوجوان آلمانی شد (گانزل ۲۰۰۸، ۳۶۳). به دنبال این الحاق نویسندگانی چون رودولف هرفورتنر^۳ با رمان "ریتا، ریتا"^۴ (۱۹۸۴)، داگمار شیدولوه^۵ با "لیدی پانک"^۶ (۱۹۸۵) و کلاوس پیتر ولف^۷ با "ماهی نئون"^۸ (۱۹۸۵) دنباله‌رو این سبک ادبی شدند. چیزی که در مورد این رمان‌ها شایان توجه است، تضاد درونی قهرمانان داستان می‌باشد. در رمان "ماهی نئون" قهرمان نوجوان تمام اهداف دلخواه خود را در اختیار هم‌نسلان پدر خود میبیند. او پدر را که مدیر یک بانک است دشمن خود می‌پندارد و در تقابل با او دست به سرقت بانک پدر می‌زند. از آنجا که برای نوشتن این آثار از همان الگوی روایی ادبیات بزرگسال استفاده شده است، در این جا هم از تکنیک‌های روایی روانشناسانه همچون من-راوی، شیوه روایت شخصی، مونولوگ درونی، جریان سیال ذهن، واگویه و پرداختن به رویا بهره برده می‌شود.

تغییر الگوها در طی دهه‌ی شصت و هفتاد، که کودکان و نوجوانان را بخشی از واقعیت سیاسی اجتماعی جامعه تلقی می‌کرد، موجب به وجود آمدن دو ژانر ادبیات نوجوان دیگر نزدیک به "رمان نوجوان" شد. که یکی از آنها کتاب‌های نوجوانی بود، که داستان آن حول محور مشکلات نوجوانان میگشت^۹ و دیگری ادبیات برابری طلبانه

1. Kampffische

2. Susan E. Hamilton

3. Rudolf Herfurtener

4. Rita, Rita

5. Dagmar Chidulue

6. Lady Punk

7. Klaus Peter Wolf

8. Neonfische

9. Klaus Peter Wolf

دخترانه^۱. این آثار به نقد جامعه و مشکلات آن می‌پرداخت و به وسیله‌ی ادبیات سعی در تغییر ماهیت ذهن نوجوانان داشت. از اواخر دهه‌ی هفتاد این سه ژانر در کنار هم پیش رفتند و به هم نزدیکتر شدند. به طور مثال در "یک دقیقه سکوت"^۲ (۲۰۰۸) اثر زیگفرد لنتس^۳ می‌توان ویژگی‌ها و خصوصیات این سه ژانر سال‌های پس از دهه‌ی هفتاد را مشاهده کرد (لانگه^۴، ۱۵۷، ۲۰۱۲). در این داستان کریستین دانش‌آموز هجده ساله از رابطه‌ی عاشقانه‌ی خود با استلامعلم انگلیسی در گذشته‌اش حکایت می‌کند. درحالی که طی دهه‌های هفتاد و هشتاد دراتریش هیچ "رمان نوجوانی" شاخص و محبوبی به رشته‌ی تحریر درنیامد، ناگهان در دهه‌ی نود دو رمان "کارتا، کارتا" اثر پائولوس هوخگاترر^۵ و "آتش مرداب"^۶ اثر آرنو گایگر^۷ (هر دو ۱۹۹۹) منتشر شدند، با وجود آنکه هر دو نخست برای مخاطب بزرگسال نوشته شده بودند، به "رمان نوجوانی" در این کشور جان تازه بخشیدند (زایبرت^۸، ۲۰۰۸، ۳۶).

ویژگی‌ها و طبقه‌بندی انواع مختلف "رمان نوجوانی"

پایه‌های "رمان نوجوانی" بر روی رمان تربیتی^۹ و رمان رشد^{۱۰} قرن هجدهم و نوزدهم بنا شده است. در حالی که رمان تربیتی به جنبه‌های تعلیم و تربیتی می‌پردازد، در رمان رشد، هدف و مسیر رشد قهرمان داستان دارای اهمیت است و از بعد آموزشی برخوردار نیست (لانگه^۴، ۱۴۸، ۲۰۱۲). البته به عقیده‌ی اورز^{۱۱} "رمان نوجوانی" با رمان‌های عیاری^{۱۲} و رمان مناسک‌گذار^{۱۳} که از آمریکا نشأت گرفته و قهرمان داستان در جستجوی هویت خویش راه انزوارا در پیش گرفته، مرتبط است. در این گونه متن‌ها، قهرمان تکرو داستان که به زعم برخی منتقدان وصله‌ی ناجور اجتماع است به بازگو کردن ماجراهایی که خود از سر گذرانده است می‌پردازد. اما صرف نظر از تمام عوامل متفاوت تاریخی ادبی تاثیرگذار بر "رمان نوجوانی، ویژگی‌های عمومی "رمان نوجوانی" به شرح زیر

- | | |
|--------------------------------------|----------------------|
| 1. Emanzipatorische Mädchenliteratur | 2. Schweigeminute |
| 3. Siegfried Lenz | 4. Caretta, Caretta" |
| 5. Paulus Hochgatterer | 6. Irrlichterloh |
| 7. Arno Geiger | 8. Erziehungsroman |
| 9. Entwicklungsroman | 10. Schelmenroman |
| 11. Initiationroman | |

است:

- وجود یک یا چند قهرمان نوجوان
- تمرکز داستان بر مرحله‌ی نوجوانی
- وجود قهرمان نوجوان دختر در رمان نوجوانی مدرن و پسا مدرن
- زمان داستان در بردارنده کل مرحله جستجو و یافتن هویت است و از مرحله‌ی پیش از بلوغ تا پس از نوجوانی ادامه می‌یابد.
- اغلب پایان باز وجه مشخصه‌ی این گونه متن‌هاست.
- برخلاف رمان‌های مسئله محور نوجوان، رمان نوجوانی نمی‌کوشد تا راهبرد مشخصی برای حل مشکل ارائه دهد.
- با وجود آن که انواع مختلف "رمان نوجوانی"، آن گونه که گانزل ذکر کرده است ترتیب زمانی دارند و بر اساس دوره‌های تاریخی طبقه‌بندی شده‌اند، اما مرز میان این مدل‌ها چنان شکننده است که در حال حاضر سه نوع اخیر در کنار هم موجودند و بر رمان‌های که نوشته می‌شوند تاثیر می‌گذارند.
- گانزل چهار مدل برای رمان نوجوانی برمی‌شمارد (لانگه ۱۵۸، ۲۰۱۲):
- رمان نوجوانی کلاسیک
- رمان نوجوانی مدرن
- رمان نوجوانی پسا مدرن
- ادبیات عامه پسند یا پاپ

رمان نوجوانی کلاسیک

برای نمونه‌های کلاسیک رمان نوجوانی می‌توان از رمان‌های مدرسه‌ای اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم (۱۸۹۶-۱۹۱۰) نام برد که به شدت تحت تاثیر تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی این دوره بودند. قهرمان این داستان‌ها نوجوانانی هستند که به خاطر سیستم بورژوازی در سازگاری و انطباق خود با دنیای بزرگسال‌ها موفق نبوده و با نظام آموزشی رایش مشکلات بسیار دارند (لانگه ۲۰۱۲، ۱۶۰).

ویژگی‌ها:

- وضعیت موجود به قهرمان نوجوان اجازه سازگاری را نمیدهد. (جدایی از جامعه در طی دوران نوجوانی)
- رشد هویت و خودیابی نوجوان در شرایط موجود ممکن نیست.
- درگیری میان قهرمانان مذکر (رابطه پدر-پسری، رابطه نوجوان- نهاد آموزشی) پایانی تراژیک دارد.
- بحران نوجوانی پسرهای نوجوان نمونه‌ای از شکست و عدم توفیق آنها در جامعه است.

اثر:

"آشفستگی‌های تورلس جوان" رابرت موزیل. تورلس شاگرد شبانه‌روزی نظامی، از انضباط شدید حاکم بر مدرسه در رنج است. او و دو نفر از همشاگردی‌ها یکی از دانش‌آموزان را به هنگام سرقت غافلگیر می‌کنند و با مخفی نگه داشتن این راز به آزار واذیت جسمی و روحی او می‌پردازند. در این رمان پیچیدگی‌های روحی و رفتارهای سادیستی سرچشمه گرفته از شیفتگی قدرت در نوجوانان به تصویر کشیده می‌شود.

رمان نوجوانی مدرن

رمان نوجوانی در دهه‌ی هفتاد مجدداً شکوفا شد. پیدایش داستان‌هایی که "آرنوهر" آمریکاشناس اتریشی آنها را "رمان نوجوانی" نامید، تحت تاثیر جنبش‌های نوین

اجتماعی چون جنبش‌های دانشجویی و جنبش‌های زنان بود. هلمر معتقد بود که اینها داستان‌هایی هستند که "جستجوی بی‌وقفه به دنبال هسته‌ی عمیق شخصیت و تلاش برای حفظ و رشد آن" در آنها بازگو می‌شود (گانزل ۲۰۰۸، ۳۶۷). کانون توجه رمان نوجوانی مدرن مبتنی بر این سه عنصر است: عشق/جنسیت، جستجوی هویت و روابط میان نوجوان و والدین (لانگه ۲۰۱۲، ۱۶۰).

در این رمان‌ها ذیل موضوع "عشق/جنسیت" به روابط صمیمانه، حسادت، همجنس‌گرایی، بارداری ناخواسته، تجاوز و سوءاستفاده جنسی نیز پرداخته می‌شود. با وجود این که در رمان نوجوانی مدرن کاملاً بی‌پرده به این مسایل اشاره می‌شود، اما ناامنی و تردید نوجوان نیز کاملاً دقیق و با حساسیت مورد بحث قرار می‌گیرد. مرحله‌ی هویت و خودیابی و جستجوی معنا، محور اصلی رمان نوجوانی مدرن است. اغلب این جستجوی هویت در گروه همسالان و یا در مدرسه اهمیت بیشتری می‌یابد.

در رمان نوجوانی مدرن اغلب به رابطه‌ی والدین-فرزندی، جدایی از والدین و همچنین جستجوی امنیت کودکی پرداخته می‌شود. همچنین مسئله‌ی جدیدی این جا نمود پیدا می‌کند: در خانواده‌های تک‌والد، خانواده دیگر نقش سنتی حمایتگر خود را ایفا نمی‌کند و نوجوان دیگر حمایت و امنیت نهاد خانواده را دریافت نمی‌کند (لانگه ۲۰۱۲، ۱۶۱).
ویژگی‌ها:

- قهرمان نوجوان با معیارها و انتظارات جامعه مخالفت می‌کند.
- دنیای سرد و بدون تخیل بزرگسالان با دنیای نوجوانان که مملو از تخیل، بازی، استقلال و احساسات است، به مقابله می‌پردازد.
- اغلب بزرگسالان در انتها پیروز ماجرا هستند.
- داستان با شکست قهرمان پایان می‌یابد.
- این مخالفت و مقابله با بزرگسالان خود را در شکل مرزبندی در شیوه‌ی و حال و هوای جدید و سبک زندگی نوجوانان نشان می‌دهد. به طور مثال موی بلند، لباس جین و موسیقی مانند کنسرت‌های موسیقی پاپ.

- نوجوانی در این گونه رمان‌ها به معنی "جستجو به دنبال شخصیتی خاص، فردیت، هویت، اقتدار و مسئولیت" است.

اثر:

"ناطور دشت" جی.دی. سلینجر (۱۹۵۱، آلمانی ۱۹۶۵). هولدن کالفید قهرمان نوجوان رمان که در یک شبانه‌روزی تحصیل می‌کند به علت مردودی از مدرسه اخراج می‌شود و برای روبرونشدن با پدر و مادرش سه روز در کلان شهر نیویورک سرگردان است. من-راوی با زبانی صمیمانه و طنزآمیز به شرح این سرگردانی می‌پردازد که به نوعی سفری است از کودکی به جوانی، از دست دادن معصومیت کودکانه و به دست آوردن تجربه‌های جوانی.

رمان نوجوانی پسامدرن

در دهه‌ی هشتاد و تحولات این دهه "جوان بودن" و "جوانی" به عنوان ارزش، سمبل و ویژگی شخصیت اهمیت تازه‌ای یافت. این تغییرات در برخورد میان نسل‌ها- که دیگر به شدت گذشته نبود- و خو گرفتن به نوگرایی فرهنگی نمود یافت. این تغییرات، زمینه‌ای بود برای پیدایش داستان‌هایی "که در آنها روساخت هم مانند ژرف ساخت متن تغییر کرده بود" و می‌شد این گونه متن‌ها را پسامدرن نامید (گانزل ۲۰۰۸، ۳۶۹).

هانس هاینو اورز که این ژانر ادبیات نوجوان را "نتیجه‌ی تحولات سریع فرهنگی و تجربه‌ی فردگرایی و تکثرگرایی در جامعه‌ی پرخطر و تجربه‌گرا" می‌داند، رمان نوجوانی پسامدرن را با این مشخصه‌ها توصیف می‌کند: بازی با موتیف‌ها و عرف‌های متفاوت ادبی (تکنیک کلاژ و بینامتنی)، پرهیز از طرح معنای مرتبط، شکستن روند خطی داستان به تک اپیزودهای کمابیش ناقص متعدد، روایت از دیدگاه‌های مختلف، مضمون تابوگونه و شکستن عرف (اورز ۲۰۱۵).

ویژگی‌ها:

- در این رمان‌ها کسی در جستجوی هویت نیست، مسئله بر سر از نو گشتن به دنبال تجربه‌ها است.

- من-راوی‌های مختلف نوجوان به طور مجزا، بی‌هدف و تصادفی کنار هم چیده شده‌اند، بی‌آنکه قصه‌ای روایت شود.
- شخصیت‌ها تصویری سطحی‌اند، و خبری از شخصیت مقتدری که آگاهانه به دنبال شکل‌دادن زندگیش باشد، نیست.
- تنها زمان حال بازگو می‌شود: زندگی یک مهمانی بی‌پایان است و دنیا بوستانی برای تجربه.

اثر:

"کارتا، کارتا" (۱۹۹۹) پائولوس هوخ گاترر. دومینیک نوجوان پانزده ساله خرده بزهکار و آسیب‌دیده‌ی اجتماع در یک خانه‌ی اشتراکی نوجوانان تحت نظر مربیان تربیتی و روانشناسان زندگی می‌کند. دومینیک از راه فحشا زندگی خود را می‌گذراند. یک روز با یکی از آشنایانش که به سرطان لاعلاج دچار است و دختری از ساکنان خانه‌ی اشتراکی سفری را به‌ترکیه آغاز می‌کنند تا به دنبال لاک‌پشت افسانه‌ای کارتا کارتا بگردند. دومینیک نیز در این رمان به صورت من-راوی با لحن صمیمانه به شرح زندگی خود می‌پردازد و در روند این سفر رفته رفته خود را بازمی‌یابد.

ادبیات عامه پسند یا پاپ

مفهوم "پاپ" نشأت گرفته از جریان‌ات اجتماعی است که از قرن بیستم همزمان با نوگرایی جامعه فرهنگ عامه را تحت تاثیر قرار دادند. بنابراین ادبیات پاپ یا ادبیات عامه‌پسند پدیده‌ای اجتماعی است که مستقیماً از دل فرهنگ مدرن و شرایط رسانه‌ای پدید آمده است. این ژانر می‌کوشد مرزهای میان ادبیات فاخر و ادبیات مردم‌پسند را از میان بردارد و موضوعات، سبک، شیوه‌ی نگارش و زندگی روزمره‌ی توده‌ی مردم را به ادبیات وارد کند (اشتاینبرگر، ۱۶، ۲۰۱۵).

ادبیات پاپ دارای همان ویژگی‌های رمان نوجوانی است، فقط با یک عنوان جدید. به عبارت بهتر مرزبندی میان رمان نوجوانی پسامدرن و ادبیات پاپ دشوار به نظر می‌رسد. ادبیات پاپ آلمانی هم به موضوعاتی چون جوانی، تکروی، مبارزه‌ی قدرت

روزمره، تضادهای سیاسی، درگیری‌های جنسیتی و در مجموع آنچه به نام "وداع با کودکی" خوانده می‌شود، می‌پردازد (گانزل ۲۰۰۸، ۳۶۹). جالب توجه اینجاست که اغلب نویسندگان این سبک بسیار جوانند و به گفته‌ی ایریس رادیش در رده سنی زیر بیست و پنج سال قرار می‌گیرند (اشتاینبرگر ۱۶، ۲۰۱۵).

ویژگی‌ها:

ادبیات پاپ به طور خاص زندگی روزمره‌ی نوجوانان را به تصویر می‌کشد. سطح سبک نگارش میان ادبیات فاخر و ادبیات عامه‌پسند در نوسان است. ادبیات پاپ ارائه دهنده همان ویژگی‌های فرهنگ پاپ همچون تکنیک سَمپل (در موسیقی پاپ) و برش‌های پی‌درپی است، حتی از نظر ظاهری. در رمان نوجوانانی که می‌توانند از رسانه‌ها و قابلیت‌های آنها در جهت رسیدن به اهداف خود استفاده کنند، مورد توجه قرار می‌گیرند. ادبیات پاپ به طور خاص بازگوکننده تجربه‌ی فرهنگ پاپ است. نویسندگان این سبک اغلب دارای تجربه روزنامه‌نگاری یا کار با رسانه‌های مدرن هستند و با حداکثر طنز میان تخیل ادبی و واقعیت شخصی خود تفاوت قائل می‌شوند.

اثر:

"دیوانه" (۱۹۹۹) بنجامین لبرت^۲. بنجامین نوجوان معلولی است که تا بحال چهار مدرسه‌ی شبانه‌روزی را پشت سر گذارده و والدینش امیدوارند تا او حداقل در پنجمین شبانه‌روزی کلاس هشتم را به پایان برساند. در این رمان نیز من-راوی ترس‌ها و امیدها و انتظارات خود را شرح می‌دهد و می‌بیند که ناتوانی جسمی‌اش او را از بخش عظیمی از آنچه که بنجامین در تلاش رسیدن به آنهاست همچون عشق و محبوبیت اجتماعی، دور می‌کند. این رمان نیز روایتی است صادقانه از دردهای رسیدن از کودکی به جوانی. زیرا "دیوانه" اثر نخست و یک رمان

1. Crazy

2. Benjamin Lebert

اتوبیوگرافی از بنجامین لبرت است.

تأثیرات ادبی و رسانه‌ای بر ادبیات نوجوان

دیری است انتشار ادبیات کودک و نوجوان در یک جهان رسانه‌ای صورت می‌پذیرد و دیگر رسانه‌های چاپی تنها بخشی از راه‌های دسترسی کودکان و نوجوانان به ادبیات است. تعداد مطالب و موضوعات ادبیات کودک و نوجوان در چرخه‌ی رسانه‌هایی چون فیلم، تئاتر، رادیو، تلویزیون، ذخیره‌کننده‌های الکترونیکی اطلاعات (سی‌دی، فلش، هارد دیسک)، اینترنت و تلفن همراه هر روز رو به افزایش است و در این میان این مطالب به طور همزمان برای رسانه‌های صوتی و تصویری تولید می‌شوند. در جریان این پیشرفت و تکامل، اغلب جایجایی موضوعات و مطالب میان ژانرهای ادبی و به عبارت بهتر میان شکل‌های روایی و نمایشی دیده می‌شود.

پرسش اینجاست که این تغییر و جایجایی رسانه‌ای چگونه خود را در ادبیات نوجوان نشان می‌دهد؟ در کنار بینامتنیت^۱ که به وضوح به متون مشهور ادبی جهان اشاره دارد، مناسبات بینارسانه‌ای^۲ هم بر ادبیات نوجوان امروز تأثیر عمیقی می‌گذارد. کنش‌های بینارسانه‌ای که مانند بینامتنیت خصوصیت دیگر رمان‌های پسامدرن محسوب می‌شود، برگرفتن عناصری از یک رسانه و استفاده‌ی آن در یک رسانه‌ی دیگر (ساخت فیلم بر اساس یک رمان، کمیک استریپ بر اساس یک انیمیشن، کتاب‌های صوتی، بازی‌های کامپیوتری بر اساس یک رمان) و یا بازی با نقل‌قولها، اشارات و وام‌گیری از یک رسانه و استفاده از آن در ادبیات است. موسیقی، فیلم و تلویزیون رسانه‌هایی هستند که تأثیری بسزا بر ادبیات نوجوان می‌گذارند. کنش‌های بینامتنی و بینارسانه‌ای تنها خصوصیت آثار ادبی پسا مدرن نیست، بلکه این پدیده در رمان‌های مدرن نیز خود را نشان می‌دهد. با نگاهی به ادبیات نوجوان به خصوص "رمان نوجوانی" آلمانی در دهه‌های اخیر می‌توان نمونه‌های این تأثیرات ادبی و رسانه‌ای را با اندکی توجه و ریزبینی مشاهده نمود. به طور مثال "ورتر" گوته همواره در گوشه‌ای از طبیعت غرق مطالعه‌ی داستان‌های حماسی هومر^۳ و یا افسانه‌های اوسیان^۴ می‌شد، در حالی که ادگار ویبوا قهرمان داستان "رنج‌های تازه‌ی و. جوان" اولریش پلنتزدورف "ورتر" گوته را کشف و

1. Intertextualität

2. Intermedialität

3. Homer

4. Ossian

تحت تاثیر این شخصیت قرار می‌گیرد.

مروری بر محتوا و ساختار رمان نوجوانی "نجوا"

رمان نوجوانی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، رمان "نجوا"^۱ (۲۰۰۵) اثر ایزابل عابدی^۲ است. "نجوا" داستان دختر نوجوان شانزده ساله‌ای به نام نوآ^۳ را روایت می‌کند که به اجبار با مادرش که هنرپیشه‌ای سرشناس است و یک دوست خانوادگی همراه شده تا تعطیلات تابستانی خود را در کلبه‌ای بیلاقی و روستایی دورافتاده در منطقه‌ی "وستروالد" بگذرانند. چیزی مرموز در این کلبه‌ی دورافتاده وجود دارد که هیچ کس در روستا مایل به صحبت در این باره نیست. نوآ با همراهی داوید^۴ پسر نوجوان اهل روستا که در کار بازسازی کلبه به آنها کمک می‌کند و روح دختری بنام الیزا^۵ که ادعا دارد سی سال پیش در زیرشیروانی کلبه به قتل رسیده به کاوش می‌پردازد و از جنایتی خونی و هویت قاتل پرده برمی‌دارد.

"نجوا" در نگاه نخست یک رمان دلهره‌آور و رازآلود^۶ به نظر می‌رسد، زیرا که داستان درباره‌ی قتل و تلاش برای یافتن قاتل است. این رمان بر اساس خصوصیات خود(پرداختن به عشق/جنسیت، هویت یابی و رابطه‌ی نوجوان با والدین) یک رمان نوجوانی مدرن نیز به حساب می‌آید. "نجوا" در دو خط داستانی به طور موازی به روایت زندگی دو قهرمان داستان "نوآ" و "الیزا" که دو دختر نوجوان هستند می‌پردازد. در ابتدای هر فصل بخشی از دفتر خاطرات الیزا نقل می‌شود که به طرز شگفت‌انگیزی با رخدادهای سی سال بعد در زندگی "نوآ" شباهت دارد. داستان به غیر از بخش دفتر خاطرات که به صورت من-راوی است، به صورت سوم شخص مفرد و از زاویه‌ی دید "نوآ" حکایت می‌شود. این شیوه‌ی روایت سبب احساس نزدیکی خواننده با شخصیت داستان و افکار و احساسات او می‌شود و داستان را از دید او دنبال می‌کند. شیوه روایت در اغلب رمان‌های نوجوانی زاویه‌ی دید من-راوی و سوم شخص با زاویه‌ی دید قهرمان داستان است.

بخش غالب رمان "نجوا" به شرح "روابط والدین-فرزندی" و مشکلات رابطه‌ی

1. Whisper

2. Isabel Abedi

3. Noa

4. David

5. Eliza

6. Mystery-Thriller

پرتنش پدر-دختری(الیزا و پدرش)و مادر-دختری(نوآ و مادرش) اختصاص داده شده است. پدر الیزا که پزشک محترمی است تنها به فرزند اولش یوناتان علاقه دارد و همواره الیزا را نادیده می‌گیرد و حتی پس از مرگ نابهنگام یوناتان به جای توجه به الیزا به دنبال جایگزینی برای پسر از دست رفته‌اش می‌باشد و این نادیده گرفته شدن، الیزا را به انتقام از هرکه به او نزدیک می‌شود وامیدارد. مادر نوآ هم به علت مادر شدن در نوجوانی و شخصیت خودشیفته‌ای که دارد در نگهداری و مراقبت از نوآ سهل‌انگاری می‌کند و این عدم مراقبت منجر به آسیب‌های روانی در این نوجوان و سوءاستفاده جنسی از او می‌شود.

"عشق و جنسیت" هم در این رمان از جایگاه خود برخوردار است. رابطه‌ی عاطفی الیزا و نوآ با دو پسر نوجوان از همان روستا نتایج متفاوتی را دربر دارد. این دو دختر نوجوان هریک به خاطر آسیب‌هایی که دیده‌اند، نمی‌توانند به کسی اعتماد کنند و هر دو از تنهایی رنج می‌برند. الیزا "دیگری" را همواره حریف خود می‌پندارد و به هر رابطه‌ی عاطفی به چشم قماری نگاه می‌کند که در آن یا همه چیز را می‌برد و یا همه چیز را می‌بازد و دست آخر نیز پس از تخریب تمام رابطه‌های پشت سر خودکشی را برمی‌گزیند. اما نوآ سرانجام اعتماد کردن را باز می‌آموزد و می‌تواند عشق را تجربه کند.

در رمان "نجوا" هر دو قهرمان داستان در جستجوی هویت‌اند. الیزا زیرشیروانی کلبه را قلمروی خویش اعلام می‌کند و کلبه‌ی بیلاقی را در مقایسه با خانه‌ی شهر، تنها جایی می‌داند که در آن حقیقتاً وجود دارد. او می‌خواهد از سایه بیرون بیاید، دوباره دیده شود و خود سازنده و روایت‌گر داستانی باشد و به همین دلیل طرح داستانی خطرناک را می‌ریزد که هریک از شخصیت‌ها تنها بخشی از حقیقتی را می‌دانند که آن را کل می‌پندارند.

نوآی ساده‌ی کوتاه‌قد و لاغر که از جذابیت‌های ظاهری مادر معروفش بی‌بهره است نیز به دنبال هویت خویش است تا سرانجام بتواند از زیر سایه‌ی شهرت مادر بیرون بیاید و سرانجام خودش باشد. او عکاسی را برمی‌گزیند و با تلاش و پشتکار برای رسیدن به هدف خود که تحصیل رشته‌ی عکاسی در دانشگاه است می‌کوشد. قلمروی نوآ تاریک‌خانه اوست که در آن همراه با روند جادویی ظهور مرحله به مرحله‌ی عکس‌ها هویت خویش را نیز اثبات می‌کند.

کنش‌های بینامتنی و بینارسانه‌ای در رمان "نجوا"

اما نجوا نیز همچون هر اثر ادبی دیگر از سطوح و لایه‌های مختلف تشکیل شده است. در حالی که خوانندگان آماتور با خواندن داستانی که براساس الگوی رمان‌های جنایی نوشته شده سرگرم می‌شوند، خوانندگان حرف‌های ادبیات، نقل قول‌ها را باز می‌شناسند و گره‌ی اشارات و کنایات متن را یک به یک باز می‌کنند و از خواندن آن لذتی دو چندان می‌برند (بارک ۲۰۰۲، ۳۰۴).

بینامتنی در رمان نجوا نیز دیده می‌شود. کسی که کتاب "برادران شیردل" آسترید لیندگرن^۲ (۱۹۷۴) را خوانده باشد نه تنها به راحتی نقل قول‌ها و اشارات را درمی‌یابد، بلکه از شباهت‌ها در نام و خلیقات چهره‌های داستان حیرت می‌کند.

"برادران شیردل" داستان ماجراجویی‌های دو برادر به نام‌های کارل^۳ (که یوناتان به او کرومل^۴ می‌گوید) و یوناتان^۵ در دنیایی فانتزی است. یوناتان برادر بزرگتر برای از بین بردن ترس برادر بیمارش از مرگ برایش از سرزمین شگفت‌انگیزی به نام نانگیالا تعریف می‌کند که پشت ستاره‌هاست و انسان‌ها پس از مرگ در آن جا زندگی می‌کنند. اما یوناتان قبل از کارل در حادثه‌ای میمیرد و وقتی کارل کبوتر سفیدی را پشت پنجره می‌بیند، متوجه می‌شود که زمان دیدارش با یوناتان رسیده و به نانگیالا می‌رود.

در "نجوا" نام برادر الیزا "یوناتان" است و او هم در حادثه‌ای در گذشته است و نام برادر کوچک و معلول داوید "کاله"^۶ (کارل) که داوید به او "کرومل" می‌گوید.

بازی با موتیف‌های رمان "برادران شیردل" چون مرگ و دل‌تنگی بازماندگان و دنبال کردن فرد از دست رفته تا جهان دیگر در رمان نجوا نیز تکرار می‌شود. "کتاب برادران شیردل را روی پاتختی مادر پیدا کرده ام و شروع کردم به خواندن. و یوناتان دوباره این جا بود. چنان حضور داشت، که فکر کردم می‌توانم نگاهش دارم. می‌توانم به او تکیه کنم."^۷

..جلوی قفسه کتاب‌ها یک لحظه ایستاد و کتاب‌های گرد و خاک گرفته را واریسی

کرد... یک کتاب کودک از آسترید لیندگرن، که نوآ وقتی بچه بود همه کتاب‌های

1. Die Brüder Löwenherz

2. Astrid Lindgren

3. Karl

4. Krümel

5. Jonathan

6. Kalle

اورا بلعیده بود. لبخندزنان کتاب *برادران شیردل* را بیرون کشید. درست همان‌اولش یک تقدیم‌نامه ناخوانا و محوشده وجود داشت، انگار کسی رویش آب ریخته باشد. تازه همان وقت که می‌خواست نوشته را بخواند، چشمش به نشانه لای کتاب افتاد. نشانه، یک تکه روبان پهن از ابریشم سبز بود و وقتی نوآ کتاب را از همان جایی که نشانه بود باز کرد، زیر یکی از جمله‌ها خط قرمز کشیده شده بود:

کسانی جوان می‌میرند که خداوند دوستشان دارد.^۱

و یا وقتی الیزا پیش از مرگ به آسمان نگاه می‌کند،

..آسمان دوباره کاملاً صاف است. ماه نمی‌تابد، اما آنجا یک ستاره هست. یک ستاره‌ی بزرگ روشن. درست از میان پنجره‌ی سقف می‌درخشد. ستاره‌ها هیچ وقت در دسترس نیستند. بی‌نهایت دورند. وقتی آدم به آن بالا به آنها نگاه می‌کند، دردی را که حس می‌کند، از میان می‌رود. درد خفیفی که در عمق قلبش است. گاهی از خودم می‌پرسم آیا یوناتان آن‌جا آن‌بالاست.^۲

اشاره به بخشی از رمان "برادران شیردل" را دارد که یوناتان و کارل باهم درباره‌ی زندگی پس از مرگ صحبت می‌کنند. "پرسیدم: نانگیالا کجاست؟ آن وقت یوناتان گفت که دقیقاً نمی‌داند؛ ولی جایی آن طرف ستاره‌هاست. و بعد شروع کرد راجع به نانگیالا تعریف کردن، طوری که آدم هوس می‌کرد بلافاصله به آن‌جا پرواز کند."^۳

از میان عوامل رسانه‌ای موسیقی در میان نوجوانان از محبوبیت بسیار بالایی برخوردار است و این عامل در ادبیات نوجوان جایگاه ویژه‌ای می‌یابد، زیرا به گفته‌ی رالف شوایکارت^۴ در اثر "نوجوانی در عصر رسانه‌ها" موسیقی عنصری تعیین‌کننده و اساسی در فرهنگ نوجوانان است (شوایکارت، ۱۹۹۶، ۴۴).

در رمان نجوا این ترانه‌های "جیم کارول"^۵ است که برای شخصیت شیفته‌ی ستاره‌های رمان، داوید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و داوید به نوعی با کارول احساس خویشاوندی روحی می‌کند.

۲. نجوا / فصل بیست و نه

۱. نجوا / فصل سوم

۳. برادران شیردل / صفحه نه

4. Ralf Schweikart

5. Jim Caroll

".. یک ربع بعد داوید در وَن فولکس واگن را برای نوآ باز کرد. ماشین واقعاً با آن هزاران ستاره‌اش، نقطه‌های نقره‌ای روی پس‌زمینه آبی شب، بسیار زیبا بود. نوآ وقتی روی صندلی شاگرد نشست پرسید: "تو اینا رو کشیدی؟"
داوید با سر تائید کرد، سویچ را چرخاند و نوآ از جا پرید، چون موسیقی با حداکثر بلندی صدا از بلندگوهای ماشین پخش شد.
جانی ستاره‌ها رو،
توی ماشینش،
میدانزه تو تله،
رادیوی ماشینش
توی پارکینگ روشنه

وقتی داوید صدا را کم کرد، نوآ با خنده گفت: "جایش هم همین جا بود!"
..داوید گفت: "جیم کارول تو گندترین محله‌ی نیویورک بزرگ شده، وقتی نوجوون بوده تا گردن تو مواد مخدر غرق شده بود تا این که یک سیاهپوست اونو نجات می‌ده. اون یه بازیکن بسکتبال تیم آیووا بود اما جیم به خاطر دفترچه خاطراتی که تو نوجوونی نوشته بود، معروف شد. بعدها نوازنده و آهنگساز شد. قطعه‌های موسیقی‌اش برای من مثل شعر می‌مونه. من که تا چون داشتم انگلیسی خونده‌ام تا اون‌ها رو بفهمم. بخصوص چیزهایی رو که جیم درباره‌ی ستاره‌ها می‌نویسه. تقریباً تو هر قطعه یک چیزی از اون‌ها می‌شه پیدا کرد."^۱
در رمان "نجوا" قهرمان داستان-نوآ- نیز سلیقه‌ی موسیقایی خود را دارد. آلبوم مورد علاقه‌ی او یک سیدی موسیقی کلاسیک با صدای باربارا استرایسند^۲ است. نوآ در این آلبوم به آهنگ "شب مهتاب"^۳ ایشندورف-شاعر دوره‌ی رمانتیک آلمان-علاقه‌ی خاصی دارد. در خلال ظهور فیلم دوربین عکاسی الیزا این آهنگ در تاریکخانه از سیدیپلیر پخش می‌شود و این آهنگ با عکس‌هایی که نوآ ظاهر می‌کند ارتباطی سمبولیک دارد.

تازه حالا خطوط روشن پس‌زمینه که صورتش در آن افتاده بود، به وضوح نمایان

۱. نجوا- فصل چهار

2. Barbara Streisand

3. Mondnacht

شده بودند. صورت نوآ در وسط پشت یک زن جوان بود. زن یک ربدو شامبر خاکستری نقره‌ای پوشیده بود، یک کیمونو، موهای سیاه پرکلاغی‌اش با فرهای درشت روی شانه‌اش ریخته بود و دستهایش را انگار در پرواز باشد، گشوده بود. زن جوان جلوی یک پرتگاه ایستاده بود، جلوی او فضای خالی سیاهی دهان گشوده بود و و از تیرهای سقف در طرف راست نوآ فهمید که زن در زیرشیروانی ایستاده بود- کنار درگاه در کاهدانی. نور ماه از پنجره‌ی باز سقفی آن بالا سمت راست عکس به زیرشیروانی افتاده بود. در آن حال که نوآ هنوز به ماه نگاه می‌کرد، سیدی پلیر تیلیک صدا داد و بیت‌های آخرین ترانه در وجود او تاثیری عمیقتر از همیشه گذاشت.

انگار آسمان

زمین را بی‌کلامی بوسیده بود،
که در درخشش ستاره‌ها
تنها خواب او را می‌دید
نسیم در مزارع گذر می‌کرد
سنبله‌ها به نرمی موج می‌زدند
روح بال گشود
از میان سرزمین‌های خاموش
پرکشید
چنان که گویی راه خانه
را درپیش داشت^۱

این اشارات موسیقایی به نظر کاترین اشتاین برگر^۲ درک و فهم بیشتر و بهتر متن را نیز ممکن می‌سازد. (اشتاینبرگر ۲۰۱۵، ۱۱) همچنین این اشارات به فرهنگ روزمره‌ی نوجوانان مانند قطعات موسیقی که شخصیت‌های داستان گوش می‌دهند و یا برنامه‌های تلویزیونی که تماشا می‌کنند یا از آنها متنفرند، به خواننده کمک می‌کند تا تصویری واقع‌گرایانه از شخصیت رمان داشته باشد.

فیلم و برنامه‌های تلویزیونی هم در "رمان نوجوانی" نقشی به سزا دارد، چون اینها

۱. نجوا- فصل سیزده

2. Katrin Steinberger

نیز بخشی از فرهنگ روزمره‌ی نوجوان به شمار می‌آیند. در رمان "نجوا" مادر نوآ که هنرپیشه‌ی معروف سینما و تلویزیون است، جایزه‌ی "بامبی" ^۱-مهمترین جایزه‌ی فرهنگی و رسانه‌ای آلمان- را دریافت می‌کند. دریافت این جایزه بر اهمیت کت مادر نوآ به عنوان هنرپیشه‌ای بزرگ تاکید دارد. کت که در زندگی روزمره هم مانند سینما نیاز به تماشاگر دارد در شبی که سریال "صحنه‌ی جرم" ^۲-قدیمی‌ترین سریال پلیسی جنایی آلمان- که در آن بازی کرده، پخش می‌شود به کافه‌ی روستا می‌رود تا آن جا همراه اهالی روستا این برنامه را تماشا کند.

..کت به چهارچوب در تکیه داد، از موهای قرمزش تار عنکبوت آویزان بود.
"امشب صحنه‌ی جرمی که من توش بازی کردم، پخش می‌شه. یه تلویزیون تو کافه هست. دیروز اون جا بودم و از گوستاف پرسیدم، که می‌تونیم اون جا فیلم رو تماشا کنیم، تقریباً ذوق مرگ شده بود. نظرت چیه، بریم اون جا؟"
"نه، مرسی .."

..همه صندلی‌ها پر بودند، آن‌ها رویشان به تلویزیون بود. آن‌جا کت که جیغ می‌کشید داشت کشته می‌شد. یک نفرکه بارانی چرم سیاه بر تن داشت مثل دیوانه‌ها به او چاقو می‌زد. درحالی که کت واقعی با دست‌هایی که پشت سرش گذاشته بود، در ردیف اول نشسته بود، گیلبرت سمت چپش و گوستاف کافه‌چی سمت راستش. صدای تلویزیون چنان بلند بود، که از بیرون هیچ صدایی شنیده نمی‌شد...^۳

استفاده از سریال "صحنه‌ی جرم" در حقیقت اشاره‌ی زیرکانه ایست به قتلی که سال‌ها پیش در روستا رخ داده و کسی از آن باخبر نیست.
این اشارات و نشانه‌ها از قهرمان داستان فردی باورپذیر و ملموس می‌سازد که در مکانی قابل تصور زندگی می‌کند، کتاب می‌خواند، موسیقی گوش می‌دهد، سینما می‌رود و برنامه‌های مورد علاقه‌اش را در تلویزیون تماشا می‌کند؛ یعنی نوجوانی درست مانند

1. Bambi

2. Tatort

۳. نجوا/فصل هشت و نه

هر نوجوان دیگری.

نتیجه‌گیری

آنچه در "رمان نوجوانی" به آن پرداخته می‌شود، واقعگرایانه‌ترین روایت از دوران نوجوانی است. مسائلی که نوجوان در طی سال‌های پایان کودکی، دوران بلوغ و سال‌های آغاز بزرگسالی با آن درگیر است را می‌توان در سه محور عشق/جنسیت، یافتن هویت و رابطه با والدین خلاصه کرد. در "نچوا" نیز مانند هر "رمان نوجوانی" دیگر می‌توان فرازهایی از این سه محور را بازیافت. عشق/جنسیت در رابطه‌ی میان نوآ و داوید و الیزا و رابرت معنا می‌یابد؛ نوآ می‌کوشد از سیطره شهرت مادر خارج شود و الیزا پایانی برای نادیده‌گرفته‌شدنش از جانب پدر می‌یابد و این دو این‌گونه در جستجوی هویت‌اند و رابطه‌ی پرفراز و نشیب مادر-دختری کت و نوآ و رابطه‌ی ناسالم پدر-دختری الیزا و پدرش به زیبایی گویای مشکلات رابطه‌ی نوجوان-والدین است. آنچه که سبب ترجیح "رمان نوجوانی" به سایر ژانرهای ادبیات نوجوان همچون رمان‌های مسئله محور نوجوان یا رمان‌های برابری جنسیتی طلبانه‌ی دخترانه می‌شود، را می‌توان در خصوصیات رمان نوجوانی مشاهده کرد. قهرمانان نوجوان دختر و پسر، تمرکز بر دوران نوجوانی، انعکاس کل پروسه‌ی هویت‌یابی، پایان باز و عدم ارائه‌ی استراتژی مشخصی برای حل مسئله، از جمله دلایلی به شمار می‌روند که این ژانر را در نگاه مخاطب نوجوان محبوب می‌سازد. به عبارت بهتر رمان نوجوانی که همچون آینه‌ای به انعکاس احساسات، عواطف و افکار نوجوان می‌پردازد، به‌طور غیرمستقیم بر رشد فکری او اثر می‌گذارد و هدف از نوشتن آن الگوسازی، آموزش، قضاوت، حل مسئله و یا سرگرمی مخاطب نیست. تأثیرات ادبی و رسانه‌ای بر رمان نوجوانی می‌کوشند تا تصویری باورپذیر و قابل تصور از قهرمان داستان و زندگی روزمره‌اش ارائه دهند تا همذات‌پنداری خواننده با قهرمان داستان تسهیل شود و داستانی از زندگی نوجوانی همانند ایشان روایت گردد. شخصیت‌های نوجوان کتاب عابدی نیز به مدد وام‌گیری و نقل قول از کتاب برادران شیردل آسترید لینگرن و ترانه‌های جیم‌کارول و اثر کلاسیکی چون شب مهتاب ایشندورف در نزد مخاطب نوجوان شخصیتی طبیعی و باورپذیر می‌سازند.

منابع

- Abedi, Isabel. 2005. Whisper. Würzburg: Arena.
- Bark, Joachim. 2002. Die Geschichte der deutschen Literatur/ von 1945 zur Gegenwart. Hg. Von Hildegard Wittenberg. Bb.6. Leipzig: Klett.
- Gansel, Carsten. 2008. Der Adoleszenzroman. In Reiner Wild (Hg.): Geschichte der deutschen Kinder- und Jugendliteratur. 3. Aufl. Stuttgart: Verlag J.B. Metzler.
- Lange, Günter. 2012. Adoleszenzroman. In: Günter Lange (Hg.): Kinder- und Jugendliteratur der Gegenwart. 2. Aufl. Baltmannweiler: Schneider Verlag Hohengehren.
- Lindgren, Astrid. 1974. Die Brüder Löwenherz. Hamburg: Verlag Friedrich Oetinger.

لینگرن، آسترید. ۱۳۶۳. گلرنگ، اکبر. تهران: نشر مردمک.

- Seibert, Ernst. 2008. Themen, Stoffe und Motive in der Literatur für Kinder und Jugendliche. Wien: Facultas Verlag .
- Schweikart, Ralf: Adoleszenz im Medienzeitalter. Jugend und Medien.-In: Der deutschunterricht. Nr. 4. 48/1996.
- Steinberger, Kathrin. 2015. Jugendliteratur. Schwerpunkte der aktuellen Jugendliteratur. Wien: Stube.
- Wollbrink, Kurt. 1988. Adoleszenz, Vortrag in Kliniken am Burggraben.

اینترنت

- Ewers, Hans Heino: **Geschichte der deutschen Kinder- und Jugendliteratur. Eine problemgeschichtliche Skizze.** <http://www.hhewers.de/>, **Aufgerufen am 4.10.2015.**
- Wollbrink, Kurt: Adoleszenz, Vortrag in Kliniken am Burggraben, 1988. <http://www.wollbrink.com/AdoleszenzVortrag.pdf>, **aufgerufen am: 26.9.2015**